[896] وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم، فرمودند: مقصود أمير المؤمنين عليه السلام است. ومؤيد اين تأويل حديثى است كه از امام ثامن علي بن موسى الرضا عليه السلام روايت شده كه آن حضرت فرمودند: پدرم امام موسى كاظم عليه السلام اين آيه را تلاوت فرمود: وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم، بعد از آن فرمود: مقصود علي بن أبي طالب عليه السلام است. ودر حديث ديگر از أصبغ بن نباته (ره) روايت شده كه گفت: روزى با مولاى خود أمير المؤمنين عليه السلام بمنزل صعصعة بن صوحان رفتيم در حالتى كه أو در بستر خود خوابيده بود چون چشم صعصعه بر جمال أمير المؤمنين عليه السلام افتاد از جاى برخاست واظهار بهبودى نمود ومرض أو سبك گرديد پس آن جناب باو فرمود: أي صعصعه زيارت كردن ما را براى خود مايه فخر وافتخار بر قوم خود مشمار، صعصعه عرض كرد: نه يا أمير المؤمنين ليكن آنرا ذخيره وأجر ميشمارم براى خود، پس أمير المؤمنين فرمود: بخدا قسم كه من گمان نداشتم در حق تو مگر خفت مؤونت وكثرت معونت را، صعصعه عرض كرد: يا أمير المؤمنين بخدا قسم كه من اعتقاد ندارم در حق تو مگر اين را كه عالم هستى بخدا، وبدرستى كه خداى تعالى در نظر تو عظيم است، وبدرستى كه تو در كتاب خدا على حكيم هستى يعنى خداى تعالى در حق تو فرموده: انه لدينا لعلي حكيم، وبدرستى كه تو نسبت بمؤمنان رؤوف ورحيم هستى. ودر حديث ديگر عبد ا بن سنان از حضرت أبي عبد ا عليه السلام روايت نموده كه آن جناب فرمودند: زماني كه زيد بن صوحان در جنگ جمل بزمين افتاد أمير المؤمنين عليه السلام بسوى أو روانه گرديد تا آنكه به بالين سرش نشست پس به أو فرمود: يا زيد خدا ترا رحمت كند، بتحقيق كه بودى تو خفيف المؤونة وكثير المعونة، چون زيد آواز آن حضرت را شنيد سر خود را بلند نمود وبجانب آن حضرت نظر افكند وعرض كرد: يا أمير المؤمنين خدا ترا جزاى خير دهد بخدا قسم كه من عالم نبودم ترا مگر آنكه _____